

در گفت‌وگو با حجت الاسلام و المسلمین استاد قوامی عنوان شد

طلیعه تحول؛ نهفته در پیوند تهران و قم

گفت‌وگو از احمد یادگار

اشاره

از همان روزهایی که درس طلبگی را نزد پدر فاضلش می‌خواند، علاقه به علم مدیریت را در وجود خویش یافت و امروز بیش از سی سال است که مطالعات خود را بر این موضوع متمرکز کرده است. حجت الاسلام و المسلمین سیدمصمصام الدین قوامی اما به گذرانیدن سطوح عالی حوزوی و مطالعه در موضوع مدیریت بسنده نکرده است. انتشار ماهنامه «مدیریت اسلامی» (نخل شهداد) و نگارش ده‌ها مقاله ارزشمند درباره مدیریت اسلامی و تألیف آثاری چون «مدیریت از منظر کتاب و سنت» - که به عنوان پژوهش دینی برتر سال ۱۳۸۲ از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور برگزیده شده است - بخشی از مجاهدت علمی و عملی این عضو انجمن مدیریت حوزه علمیه قم به شمار می‌آید.

ساور او درباره چشم‌انداز نظام اسلامی در پیوند دولت و حوزه‌های علمیه و اجرای صحیح و روش‌مند نسخه اسلامی برای گره‌گشایی از معضلات امروز از اساسی‌ترین دغدغه‌های گفت‌وگو با مدیر محترم مدرسه علمیه معصومیه بوده است.



فرهنگ پویا: با تشکر از این که دعوت فصلنامه «فرهنگ پویا» را برای این گفت‌وگو پذیرفتید؛ همان طور که مستحضرید، در فرهنگ اسلامی قناعت به عنوان یک سرمایه ارزشمند شناخته شده است که به کارگیری آن می‌تواند تحولی بزرگ را در اقتصاد جامعه ایجاد کند. اما دیدگاهی وجود دارد که عنصر قناعت را در تعارض با تحول اقتصادی و تولید ثروت در جامعه می‌داند. آیا به درستی چنین تعارضی وجود دارد؟

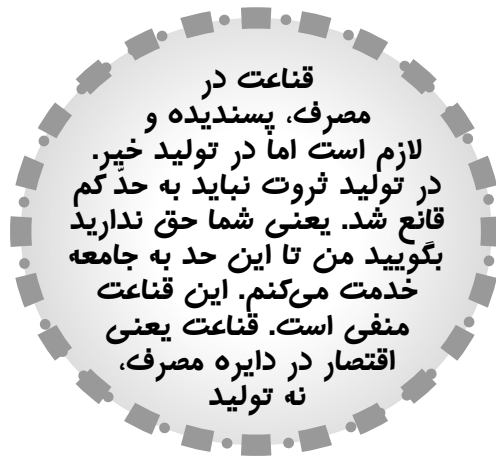
استاد قوامی: بنده هم از نشریه وزین‌تان که راهگشا و تحول‌گرا است، تشکر می‌کنم. به نکته دقیقی اشاره کردید. اگر به واژه‌های معروف اخلاقی، فقهی و معارفی‌مان نگاه جامع و نظام‌مند بشود، قطعاً بخشی از مشکلات حل خواهد شد. به عنوان مثال در «زهد» معروف است که می‌گویند: «زهد، کم خواستن است نه کم داشتن». همین نگاه منشأ یک انقلاب می‌شود. کم خواستن، یک بحث ارزشی است که با نگاه قرآنی «متاع الدنيا قليل» و این که دنیا با همه ابعاد و هندسه‌اش قلیل است، تناسب دارد. اما در حوزه اجتماعی نمی‌شود دستور «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» را نادیده گرفت؛ چرا که یکی از مصادیق «قوه» قدرت اقتصادی و توان تولید ثروت است. اساساً ثروت‌مندی و بهره‌مندی از متاع دنیا یک امر پسندیده است و مذموم نیست. منتها کسی که زاهد است، می‌تواند در عین زاهد بودن، ثروتمندترین انسان‌های عالم هم باشد. چرا که زهد یک بحث اخلاقی است. این به نوع نگرش برمی‌گردد. گاه نگاه انسان به این ثروتی که «من فضل ربی» است، نگرش قارونی است، آن وقت خروجی‌اش «خرج علی قومہ فی زینتہ» می‌شود که باید کلیدهای صندوق‌های جواهر و گنج‌های او را در مقابل چشمان مردم، به تعبیر قرآن، جوانان ورزیده و تنومند رژه ببرند و قارون بگوید که این ثروت، ثمره و حاصل علم شخصی من است. اما اگر نگرش سلیمانی بود، می‌گوید: آنچه از مال دنیا نزد من است، از فضل و علم الهی است. تفاوتش

در این جا بروز می‌کند که محصول تولید ثروت قارون، تکاثر و ثمره تولید ثروت سلیمان، کوثر می‌شود. تکاثر و کوثر هر دو از کثرت است؛ منتها اولی کثرت فانی است و دومی کثرت باقی.

کثرت خواهی باقی و ماندگار، یک کثرت مستمر زاینده و فزاینده است که بُعد معنوی دارد؛ همان کوثری که یک سوره قرآن به نام او است، اما کثرت‌خواهی فانی و گذرا، موجب لهو و لعب و سرگرمی‌های غفلت‌آفرین می‌شود؛ «الهیکم التکاثر».

پس قناعت از بعد فردی خوب است. آن جایی که ثروت، در راه تأمین مسایل زندگی شخصی و خودآرایی‌های غیر ضروری مصرف می‌شود، جای قناعت است؛ اما در بعد اجتماعی همین شخص نباید قانع شود، بلکه باید افزون‌طلب باشد تا جامعه اسلامی رشد کند و از نظر اقتصادی، قدرت داشته باشد.

روح قرآن و سنت هم ضد قناعت اجتماعی است. خداوند می‌فرماید: این زمین «ذلول» است، بروید بر «مناکب»



فرهنگ پویا: درباره بحث قناعت چطور؟

استاد قوامی: درباره قناعت هم همین‌طور است. قناعت در مصرف، پسندیده و لازم است اما در تولید خیر. در تولید ثروت نباید به حد کم قانع شد. یعنی شما حق ندارید بگویید من تا این حد به جامعه خدمت می‌کنم. این قناعت منفی است. قناعت یعنی اقتصار در دایره مصرف، نه تولید. امیرالمؤمنین علیه السلام بدون در نظر گرفتن قناعت، ده‌ها حلقه چاه حفر می‌کنند و ده‌ها نخل می‌کارند؛ اما این چاه‌ها و نخل‌ها و بهره‌مندی‌ها را به حساب خودشان واریز نمی‌کنند. می‌فرمایند حسن و حسین من از این‌ها بهره‌ای نبرند؛ بلکه این وقف برای مصارف عمومی جامعه است. یا آن که حضرت در برابر یک نخل، یک برده را از اشراف می‌خرید و آزاد می‌کرد.

(شانه‌های) آن سوار شوید. حالا ما بگوییم بیا بید قناعت کنیم و یک چاه بکنیم، این همه ذخایر انرژی داریم به دنبال بهره‌برداری از آن نرویم. این نگاه از همان نگاه فردی سرچشمه می‌گیرد. ما تا قبل از انقلاب و مدتی پیش نیز این نگاه را در بسیاری از جاها می‌بینیم. امام خمینی علیه السلام در این زمینه هم انقلاب کرد و نگرش را متحول ساخت.

پس این تعارضی که گفتید وجود ندارد. بگذریم از این که گفته‌اند در تناقض هشت وحدت است؛ ولی در قناعت در مصرف و عدم قناعت در تولید تعارضی نیست. شما دریا دریا تولید کنید اما به خودتان که رسید، زهد و بی‌تعلقی پیشه سازید؛ زیرا قدرت وقف و انفاق دارید که بهترین قدرت‌ها است. قرآن می‌فرماید: «آتوهم من مال الله التي آتاکم»؛ فقیر که نزدتان

ما تا امروز
جمهوری‌های متعددی
داشته‌ایم. جمهوری اول یا جمهوری
مهندس موسوی، نگاه کاملاً شرقی
داشت. جمهوری آقای هاشمی نگرش همسو
با مالزی داشت. در جمهوری آقای خاتمی
نگاه به سمت لندن و پاریس رفت. اما امروز
به لطف خدا جمهوری آقای احمدی نژاد،
سمت و سوی مکه و مدینه دارد؛ البته
نه مکه و مدینه سعودی، بلکه مکه و
مدینه نبوی.

آمد، از مالی که خداوند به شما عطا کرده است، به او بدهید.

فرهنگ پویا: به وجود نگرش فردی اشاره کردید. آیا وجود این نگرش پس از انقلاب به تمسک کارگزاران به مدل‌های غیر خودی مربوط می‌شود؛ مثلاً اعتقاد به اقتصاد چپ که در مقاطع اول انقلاب، شکل یک الگو را داشت؟

استاد قوامی: بله! در همان مقطع، بخش مؤثری از تصمیم‌گیران اقتصادی به نگاه اقتصادی جریان چپ تمایل داشتند. ابهت جریان چپ در آن روز و شرایط فرهنگی و اجتماعی اول انقلاب موجب شد در برخی مسایل از آن‌ها هم چپ‌تر شویم، هر چند نمی‌شود از تلاش‌های کسانی چون شهید بهشتی، شهید صدر، شهید باهنر و بعضی اسلام‌شناسان دیگر در تبیین نسخه اسلامی اقتصاد چشم پوشید؛ اما غلبه نگاه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران اقتصادی در آن مقطع، به جریان چپ معطوف بود.

ما تا امروز جمهوری‌های متعددی داشته‌ایم. جمهوری اول یا جمهوری مهندس موسوی، نگاه کاملاً شرقی داشت. جمهوری آقای هاشمی نگرش همسو با مالزی داشت. در جمهوری آقای خاتمی نگاه به سمت لندن و پاریس رفت. اما امروز به لطف خدا جمهوری آقای احمدی نژاد، سمت و سوی مکه و مدینه دارد؛ البته

عمل سلیقه‌ای به اقتصاد اسلامی، ما را تهدید می‌کند.

استاد قوامی: سؤال دقیقی است. واقعیت این است که تا به امروز در میان بسیاری از کارگزاران و نخبگان جامعه ما به این موضوع در عمل اعتنایی نمی‌شده است. ما از دوران بسی توجهی، به دوران توجه و اقبال رسیده‌ایم؛ ولی متأسفانه انقلابی که رخ داده، در حوزه‌های علمیه و دروس خارج ما واقع نشده است، مسایل مبتلا به اداره جامعه وارد فقه نشده، البته کارهای خوبی مانند بحث فقه و تربیت و فقه‌الاداره شروع شده. الان وقتی به مجامعی می‌رویم که قبلاً می‌رفتیم، حالت سخرنه آنان درباره فقه اداره به استفهام تبدیل شده است؛ آن هم استفهام حقیقی و نه استفهام انکاری. مخاطبان از زمان اجرای این تئوری‌ها و ماهیت آن‌ها می‌پرسند. به لطف خدا امروز در روند دگردیسی انقلاب، به ایستگاهی رسیده‌ایم که مراکز روشنفکری ما دیگر فکر دینی را به سخرنه نمی‌گیرند، بلکه مطالبه می‌کنند.

اما واقعیت این است که ما در دوران جنبی هستیم؛ زیرا وقتی بیش از هزار سال را بگذارید کنار بیست و هشت سال، متوجه می‌شوید برای یک جنبش که از ابتدایش نگاه‌ها به دیگران و تئوری‌های غیر بومی دوخته شده بوده، زمان زیادی نیست. امروز رییس دولتی بر سر کار آمده

نه مکه و مدینه سعودی، بلکه مکه و مدینه نبوی. هر کدام از این جمهوری‌ها هشت سال ما را پُر کرد. از آن جا که جامعه‌شناسان معتقدند عمر یک نسل بیست و پنج سال است؛ در واقع عمر یک نسل ما سرگرم مدل‌های غیر بومی شرقی، شرق آسیایی و غربی اقتصاد شد. هیچ یک از این سه هم جواب نداد. البته نمی‌خواهیم بگوییم مقصر کدام جمهوری بوده است. خود تجربه هم ثروت است. طبیعت یک انقلابی که با آن شرایط و دشمنی‌های داخلی و خارجی به وجود آمده و رشد کرده این است که بعد از آزمون و خطاها بفهمد که آب نه در «صفا» است و نه در «مروه»؛ بلکه زیر پای اسماعیل خودمان است. امروزه بعد از بیست و هشت سال، وارد عرصه واقعی و شفاف شده‌ایم. بدون ترس و واهمه از حرف و قضاوت دیگران باید ببینیم که اسلام چه می‌گوید؟ این سرآغاز یک تحول بزرگ می‌شود.

فرهنگ پویا: این که ما بعد از آزمایش سه نسخه به حقانیت و کارآمدی نسخه اقتصاد اسلامی برسیم، خودش یک تحول است؛ اما آیا برای مدیریت این تحول یعنی اجرای اقتصاد اسلامی به یک نسخه دقیق و در حقیقت مانیفست اقتصاد اسلامی نیاز نداریم؟ چون زمان به سرعت می‌گذرد و خطر برداشت و

باید روزی فرا
 برسد که بگوییم دو هزار
 نفر در مسجد اعظم، درس خارج
 مدیریت اسلامی می‌خوانند. قدری
 آن طرف‌تر کرسی درس خارج اقتصاد
 اسلامی، ارتباطات و رسانه، سیاست و امور
 بین‌الملل، هنر و سینما برقرار باشد. این
 با پیوند و ارتباط حقیقی میان قم که
 مرکز اسلام انقلابی است و تهران که
 مرکز انقلاب اسلامی است حاصل
 می‌شود.

حوزه وجود دارد؟

استاد قوامی: تا دیروز تبلیغ می‌شد که اساساً علوم روز با دین نسبتی ندارد. می‌گفتند: اقتصاد، مدیریت و ... علم است و فرمول‌های خودش را دارد. ذهن جوان‌های متدین ما را هم منحرف می‌کردند که این‌ها چه ربطی به دین دارد، این‌ها از تقدس دین کم می‌کنند! حتی زمانی دربارهٔ فقه‌الاداره نمی‌شد به علما حرفی زد. می‌گفتند این چیزها را به فقه نجسبانیید. اما امروزه به برکت انقلاب و تحولی که امام راحل ره در ما ایجاد کرد، انجمن‌هایی با گرایش‌های متنوع کار خود را شروع کرده است. پیش‌بینی من این است که دولت‌های بعدی و فضاهای آینده به خواست خدا مکتبی‌تر خواهد شد. اگر جمهوری چهارم نظریه طلبید، جمهوری پنجم نظریه را مطالبه کند. بگویید فردا می‌فرستیم نسخهٔ مدیریت اسلامی، نسخهٔ اقتصاد اسلامی را می‌خواهیم. به هر حال این خودش نشان از تحول و حرکت رو به جلوی انقلاب دارد.

فرهنگ پویا: با تشکر فراوان از حضرت عالی که شرکت در این گفت‌وگو را پذیرفتید. دیدگاه‌ها و اظهارات شما روشنگر و راهگشا است؛ امید آن که مورد توجه و بهره‌برداری شایسته قرار گیرد.

اسلامی در علوم روز و آن چه امروزه با همین عناوین در برخی مؤسسات ما مورد بررسی قرار می‌گیرد، چه نسبتی برقرار است؟

استاد قوامی: این که ما از زاویه دید تئوری‌های وارداتی و نوعاً غربی به روایات و آیات نگاه کنیم، اشتباه است. آخرش هم خیلی متدین باشیم خواهیم گفت که امیرالمؤمنین علیه السلام نیز این طوری فرموده است. تنها مسیر صحیح، در فقاهت است. باید عنصر اجتهاد و فقاهت به عنوان ساز و کار اراییه نظریات مبتلا به روز مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال، در فقه‌الاداره باید حلال و حرام مدیریت را بررسی کنیم. بگوییم چه مدلی از نظارت بر سازمان حرام است، چه مدلی مستحب است ... و یا گزینش‌های حرام، مستحب، مکروه و ... را مشخص کنیم، از آن جا که مدیریت فعل است و فعل مکلف هم حکم دارد.

چه خوب است که مسؤولان ما مستفتی بشوند. از رییس صدا و سیما تا وزرا، باید پاسخ سؤال‌اتشان را از قم بخواهند و قم هم این ساز و کار را برای اراییه پاسخ و سیراب کردن مدیران داشته باشد.

فرهنگ پویا: آیا امروز این آمادگی در

است که برخلاف رؤسای جمهور قبلی به صراحت اعلام می‌کند؛ نظریه‌پرداز نیست. وقتی آقای احمدی‌نژاد به قم آمد، اعلام کرد که ما دولت کار هستیم و نظریه‌پرداز نیستیم؛ نظریه باید از قم بیاید. به تعبیر دیگر، امروز حوزه دولتی نیست، اما دولت حوزوی است. امروز این زمین، مساعد کشت است. باید شخم بزیم و بذر تئوری‌های اسلامی را بکاریم. تا دیروز این زمین بایر بود. امروز دایر شده و همین انجمن‌های علمی حوزه که در پی فرمایش رهبر معظم انقلاب دربارهٔ تولید علم پدید آمده، رو به باروری هستند. بسیاری از خروجی‌های حوزه از مجامع علمی گرفته تا نشریات و فرآورده‌های تولیدی باید به شکلی تخصصی وارد شوند. چه اشکالی دارد که مراجع تقلید به شکلی تخصصی در اقتصاد، سیاست، علوم اجتماعی و سایر علوم روز مثل شبیه‌سازی نظریه‌پردازی کنند. دیگر دورهٔ علامه‌گی به پایان رسیده است. باید روزی فرا رسد که بگوییم دو هزار نفر در مسجد اعظم، درس خارج مدیریت اسلامی می‌خوانند. قدری آن طرف‌تر کرسی درس خارج اقتصاد اسلامی، ارتباطات و رسانه، سیاست و امور بین‌الملل، هنر و سینما برقرار باشد. این با پیوند و ارتباط حقیقی میان قم که مرکز اسلام انقلابی است و تهران که مرکز انقلاب اسلامی است، حاصل می‌شود.

فرهنگ پویا: میان نظریه‌های